

تاریخ پوشیده آیه چهل — شماره دوازدهم

شماره دوازده

Jeff Pippenger

2026-05-23

معمولاً چنین ادعا می‌شود که اگر پنج نفر یک سانه واحد رانندگی را ببینند، آن پنج شاهد پنج روایت متفاوت از همان حادثه ارائه خواهند کرد؛ هرچند امروزه، در این دوره‌ای که روح‌القدس از میان بشر در حال برداشته شدن است، بی‌گمان در میان آن شاهدان کسانی نیز خواهند بود که برای حفظ جهان‌بینی شخصی خود، درباره آنچه دیده‌اند چیزهایی بسازند و دروغ بگویند، و در عین حال باور داشته باشند که با این کار اهل فضیلت‌اند. در تاریخ پنهان، چندین شاخه گوناگون از حقیقت نبوی وجود دارد که نمایانگر شاهدان متفاوت همان رویدادهاست. در کلام خدا هیچ دروغی نیست، هرچند غالباً تفسیر انسانی آن رویدادها معیوب است؛ اما شاهدان کتاب مقدس این تاریخ، اگر به درستی تقسیم شوند، همگی با یکدیگر موافق‌اند.

پیتر در این تاریخ نمادی از یکصد و چهل و چهار هزار است، و شهادت او نمایانگر تاریخی تدریجی است از نومیدی ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ تا بیداری ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳، سپس همچون کسی که در نخستین آزمون رؤیای خارجی درگیر است، و آنگاه در دومین آزمون رؤیای داخلی، که پس از آن آزمون محک گوی‌های آتشین نشویل خواهد آمد، تا بر افراشته شدن علم برای امت‌ها.

دونالد ترمپ به هغه پت تاریخ کې د هغه چا په توګه راځي چې ټول نړیوالپالان راپاروي، چې پکې د نړۍ نړیوالپالان، دیموکرات ګوند، او د جمهوري پال ګوند RINO ګان شامل دي. هغه د نبوي ځانګړنو پوره کوونکی دی چې د حیوان د انځور له تصور سره تړاو لري، څکه چې هغه د سیاسي مرګ څخه راژوندی شوی، د اوو څخه د اتم په توګه راڅرګندېږي. هغه په ټول پت تاریخ کې خپل ځای لري، او ټاکل شوی دی چې هغه مهال به واکمن وي کله چې «فعاله استبداد» لومړی پر متحده ایالاتو او له هغه وروسته پر نړۍ وټپل شي. مرتد پروتستانتم، د ځمکني حیوان په دوو بن‌کرونو کې د ترمپ د مقابل لوري په توګه، د مکابیانو په تاریخ کې حاضر دی. د ملګرو ملتونو او روسیې په چوکاټ کې د اژدهایي ځواک بېلابېلې څرګندونې په تاریخ کې شاهدي ورکوي. پاپیتوب، د «ستا د خلکو غله» په توګه، هلته شته څو هر څه سره وتړي او رؤیا ټینګه کړي.

پیتر شما هستید، خواننده عزیز. پیتر نامزدی است تا در زمره علم صد و چهل و چهار هزار تن باشد. پیتر در میانه ایستاده است، در نقطه میانی چندین خط نبوی، و به وسیله ایمان به قدس‌الاقداص داخل می‌شود و آن تحولی را دریافت می‌کند که به واسطه رؤیت مسیح به انجام می‌رسد. پیتر بر کوه تجلی است، جایی که باید به صورت مسیح متحول گردد، در حالی که ایالات متحده آمریکا در حال شکل دادن صورت وحش است.

«برادران، ما باید از خویشتن کمتر و از خدا بیشتر داشته باشیم. او نیروهای کلیسا را مطالبه می‌کند؛ اما توانایی قوم ما تا حد زیادی در راه مقاصد ناشایست صرف می‌شود. زمان بسیار زیادی به اندیشه‌ها و مطالبات خرد اختصاص می‌یابد. خدا می‌خواهد که ما بر کوه برآییم، مستقیم‌تر به حضور او داخل شویم. ما به بحرانی نزدیک می‌شویم که بیش از هر زمان دیگری از آغاز جهان تاکنون، تخصیص کامل هر کسی را که نام مسیح را بر خود نهاده است، مطالبه خواهد کرد. کار خدا همه آنچه را که از ما هست، می‌طلبد. اما قوم ما هرگز این تخصیص را به‌جا نخواهند آورد مگر آنکه دل‌هایشان دگرگون شود. آنان همان قدر به توبه و بازگشت نیاز دارند که پطرس داشت. هنگامی که بدین‌سان زنده گردند، مسیح می‌تواند به ایشان بگوید: "برادرانت را استوار

ساز"، "گوسفندان مرا خوراک ده"، "برہای مرا خوراک ده۔"

»چون قدرت الہی با کوشش انسانی ہمراہ گردد، کار همچون آتش در کاه خشک گسترش خواہد یافت۔ خداوند ابزارهایی را بہ کار خواہد گرفت کہ منشأ آنها از درک انسان بیرون خواہد بود؛ فرشتگان کاری را انجام خواہند داد کہ آدمیان می توانستند از برکت انجام آن برخوردار شوند، اگر از پاسخ دادن بہ مطالبات خدا غفلت نورزیدہ بودند۔ اکنون این کار بہ انسان عرضه شدہ است۔ آیا او آن را خواہد پذیرفت؟ در این زمان، درہای بسیاری از بند گشودہ و بہ روی کارگران باز شدہ است۔ آیا از این درہا داخل خواہند شد؟ چہ کسی آمادہ است کہ بہ فرمان استاد بگوید: "لیک، خداوند، مرا بفرست؟" فریاد مقدونی با استغاثہ های جانسوز از ہمہ اطراف جہان بہ ما می رسد: "عبور کردہ، ما را یاری دہید۔" Review and Herald, December 15, 1885.

ما باید بہ کوہ بیابیم و همچون پطرس متحوّل شویم، و چون چنین کنیم، همان گونه کہ اشعیا شد، تطہیر خواہیم شد۔ این تطہیر آنگاہ بہ منزلہ امری تحقق یافتہ بہ تصویر کشیدہ می شود کہ قدرت الہی با تلاش انسانی درہم آمیختہ گردد۔ ندای مقدونی در تاریخ پنهان آیہ چہل رخ می دہد۔

زمان آن فرا رسیدہ است کہ در شہرہای ما کوشش های قاطعانہ بہ عمل آید۔ لوقا ۲۱ را بخوانید۔ این پیام برای این زمان است، و برای این نسل آخر نوشتہ شدہ است۔ ما نباید اجازہ دہیم هیچ چیز میان ما و کاری کہ خدا بہ ما سپردہ است تا انجام دہیم، حائل شود۔ باید تلاش های ویژہ ای بہ عمل آید تا حقیقت در برابر دیدگان کسانی کہ در شہرہا ہستند قرار گیرد۔

»نباید هیچ زمانی را در عیب جویی از دیگران تلف کرد۔ ہرگونہ مجادلہ باید پایان یابد۔ ما باید همچون برادران یکدیگر را محبت کنیم۔ بیابید با خدا بہ کوہ برآئیم، تا بازگردیم در حالی کہ بازتاب جلال خدا بر ما باشد۔ تنہا جایی کہ می توانیم آن را بہ دست آوریم، کوہ با خداست۔ کاری ہست کہ باید در مطالعہ کلام خداوند، آن گونه کہ در شریعت او آشکار شدہ است، انجام گیرد۔ بسیار خواندن سطحی بودہ است، اما چہ مقدار مطالعہ واقعی؟ مسیح در میان انسان ها زیست و در جہان، همان احکام شریعت را موعظہ کرد۔»

»کار بہ زودی در عدالت بہ اختصار پایان خواہد یافت۔ ما باید در کوشش های خود برای پیش بردن آن تا بہ کمال، پافشارتر و پارسا تر شویم۔ زمانی فرا رسیدہ است کہ نہ تنہا باید فعال باشیم، بلکہ باید آن فعالیت را چنان متمرکز سازیم کہ ثمربخش واقع شود۔ اگر وقت بیشتری را بر کوہ با خدا می گذرانیم، کار ما مؤثرتر می بود۔»

»باید قدرتی قانع کننده تر بہ موعظہ ما درآید۔ شمشیر روح باید از نو تیز گردد و با قدرت بہ پیش فرستادہ شود۔ آیا خویشتن را بدان خواہیم گماشت، چونان مردانی کہ ہمہ واقعیات ابدیت را پیش روی خود دارند؟ ما خواہان آنیم کہ قدرت روح القدس بہ پیش رود و کار خدا را در زمین بہ کمال رساند۔» 1، Australian Union Conference Recorder، اکتبر 1906.

بر کوہ، جو مقام اقدس بھی ہے، الوہیت ہماری انسانیت کے ساتھ متحد ہوتی ہے، اور لوقا 21 آخری نسل کے لیے پیغام ہے، جسے شہروں کو آخری انتباہ دینا ہے۔ شہروں کے لیے یہ انتباہی کام فرشتے انجام دیں گے اگر ہم کوہ پر آنے اور اُس کی صورت میں ڈھل جانے سے انکار کریں۔ یہ کام شہروں کے لیے ہے، کیونکہ آخری نسل اُس زمانے میں زندہ ہے جب "ہزاروں شہر" ہلاک کیے جانے ہیں۔ شہروں کی تباہی کا نبوی دور نیش ول کے آتشی گولوں سے شروع ہوتا ہے، اور انتباہ کا کام بھی وہیں سے آغاز پاتا ہے، اور اس کام کی نشان دہی لوقا 21 میں کی گئی ہے۔ برسوں کے دوران ہم بار بار یہ دکھا چکے ہیں کہ لوقا 21 تیسرے افسوس کے اسلام کے بارے میں ایک انتباہ ہے۔

در لوقا ۲۱، عیسی تاریخ را از ردّ اسرائیل باستان بہ عنوان قوم برگزیدہ خدا آغاز کرد و آن را تا پایان اعصار تاریک آزار و جفای پاپی دنبال نمود، و سپس بہ نشانہ هایی پرداخت کہ تاریخ میلری را آغاز

کردند. تاریخ میلری، تاریخ یکصد و چهل و چهار هزار نفر را به تصویر می کشد.

و ایشان به دم شمشیر فرو خواهند افتاد، و به اسیری در میان جمیع امت ها برده خواهند شد؛ و اورشلیم پایمال امت ها خواهد شد، تا زمان های امت ها به کمال رسد. و در خورشید و ماه و ستارگان علامت ها خواهد بود؛ و بر زمین، تنگی امت ها با حیرت؛ دریا و امواج در خروش؛ و دل های مردمان از ترس و از انتظار آنچه بر جهان می آید، از حال خواهد رفت؛ زیرا قوای آسمان متزلزل خواهد شد. و آنگاه پسر انسان را خواهند دید که با قوت و جلال عظیم بر ابری می آید. لوقا 21:24-27.

یوحنا در فصل یازدهم مکاشفه تصریح می کند که ۱,۲۶۰ سال حاکمیت پاپی به طور نبوی «به امت ها» داده شد، و لوقا مشخص می سازد که در سال ۱۷۹۸، زمان امت ها به کمال رسید. سپس مسیح به نشانه ها در خورشید و ماه و ستارگان پرداخت که جنبش میلری را علامت گذاری می کنند، و سخن را با این عبارت به پایان برد: «تنگی امت ها، با حیرت؛ دریا و امواج در خروش؛ و دل های مردمان از ترس و از انتظار آن چیزهایی که بر جهان خواهد آمد، از حال می رود.» «تنگی امت ها» در لوقا، همان «خشمگین شدن امت ها» در مکاشفه است.

اور قومیں غضبناک ہوئیں، اور تیرا غضب آپہنچا، اور مردوں کے انصاف کا وقت بھی، تاکہ اُن کا فیصلہ کیا جائے، اور تاکہ تو اپنے بندوں یعنی نبیوں کو، اور مقدسین کو، اور اُن کو جو تیرے نام سے ڈرتے ہیں، چھوٹے اور بڑے سب کو، اجر دے؛ اور اُن کو ہلاک کرے جو زمین کو ہلاک کرتے ہیں۔ مکاشفہ 11:18.

“غضب” خدا در هفت بلای آخر واقع می شود و از هنگامی آغاز می گردد که میکائیل برمی خیزد و زمان آزمون بشر به پایان می رسد. به خشم آمدن امت ها دوره ای است که به پایان زمان آزمون منتهی می شود. به خشم آمدن امت ها از ۱۱ سپتامبر آغاز شد، هنگامی که اسلام وای سوم فرا رسید، و بدین سان فرارسیدن باران آخر را علامت گذاری کرد.

vu que la colère des nations, la colère de Dieu, et le temps de juger les déversées» morts étaient des événements séparés et distincts, se succédant l'un à l'autre; j'ai vu aussi que Michel ne s'était pas encore levé, et que le temps de détresse tel qu'il n'y en a jamais eu n'avait pas encore commencé. Les nations s'irritent maintenant; mais lorsque notre Souverain Sacrificateur aura achevé Son œuvre dans le sanctuaire, Il se lèvera, revêtira les vêtements de la vengeance, et alors les sept dernières plaies seront « déversées»

«میں نے دیکھا کہ چار فرشتے چار ہواؤں کو روکے رکھیں گے جب تک کہ یسوع کا کام مقدس میں مکمل نہ ہو جائے، اور پھر آخری سات آفتیں نازل ہوں گی.» ابتدائی تحریریں، 36.

در تاریخ میلری، خشمگین شدن امت ها، یا آن گونه که لوقا ثبت کرده است، «پیشانی امت ها»، به وسیله اسلام تحقق یافت.

«در سال ۱۸۳۸، ترکیه در جنگ با مصر درگیر شد. مصریان به گونه ای پیش می رفتند که قدرت ترکیه را سرنگون سازند. برای جلوگیری از این امر، چهار قدرت بزرگ اروپا، یعنی انگلستان، روسیه، اتریش و پروس، مداخله کردند تا حکومت ترکیه را حفظ کنند.» اوربا اسمیت، Synopsis of Present Truth, 218

در سال 1838، آنچه «مسئله شرقی» نامیده می شد، ملت ها را به لرزه درآورده بود، و «مسئله شرقی» همان اسلام بود، باد شرقی کتاب مقدسی. تاریخ میلری نشان داد که ملت ها به وسیله

اسلام متزلزل شدند و سپس خداوند در ابرہا بہ سوی قدس الاقداس آمد، و بدین سان نمونہ ای شد از زمانی کہ خداوند در ابرہا در آمدن دوم خویش می آید۔ پیش از آمدن او در ابرہا، اسلام ملتہا را بہ تنگی می افکند، و این همان پیامی است کہ بہ پطرس دادہ شدہ است تا آن را پیشاپیش نابودی «ہزاران شہر» بہ شہرہا اعلام کند۔ دورہ نابودی شہرہا با گلولہ ہای آتشین نشویل آغاز می شود۔

«کاش قوم خدا از ویرانی قریب الوقوع ہزاران شہر، کہ اکنون تقریباً یکسرہ بہ بت پرستی سپردہ شدہ اند، آگاہی و احساسی می داشتند! اما بسیاری از کسانی کہ می بایست حقیقت را اعلام کنند، برادران خود را متہم می سازند و محکوم می کنند۔ ہنگامی کہ قدرت تبدیل کنندہ خدا بر اذہان فرود آید، تغییری آشکار پدید خواہد آمد۔ انسان ہا دیگر میلی بہ انتقاد کردن و ویران ساختن نخواہند داشت۔ آنان در موضعی نخواہند ایستاد کہ مانع تابیدن نور بہ جہان شود۔ انتقادہای ایشان، اتہام زنی ہای ایشان، پایان خواہد یافت۔ قوای دشمن برای نبرد بسیج می شوند۔ کشاکش ہای سخت در پیش روی ماست۔ بہ یکدیگر نزدیک شوید، ای برادران و خواہران من، بہ یکدیگر نزدیک شوید۔ با مسیح پیوند یابید۔ «شما مگویید: فتنہ ای!... و از آنچه آنان از آن می ترسند، مترسید، و بیمناک مشوید۔ یہوہ صباپوت را تقدیس نمایند، و او ترس شما باشد و او ہراس شما۔ و او مقدسی خواہد بود؛ لیکن برای ہر دو خاندان اسرائیل سنگ مصادمہ و صخرہ لغزش، و برای ساکنان اورشلیم دام و تلہ خواہد شد۔ و بسیاری از ایشان خواہند لغزید و خواہند افتاد و شکستہ خواہند شد و در دام گرفتار آمدہ، اسیر خواہند گردید۔»

«جہان صحنہ ای تئاتری است۔ بازیگران آن، یعنی ساکنانش، خود را آمادہ می سازند تا نقش خویش را در آخرین نمایش بزرگ ایفا کنند۔ خدا از نظرہا دور مانده است۔ در میان تودہ ہای عظیم بشر هیچ وحدتی وجود ندارد، مگر آنگاہ کہ انسان ہا برای تحقق مقاصد خودخواہانہ خویش با یکدیگر ہم پیمان می شوند۔ خدا نظارہ گر است۔ مقاصد او دربارہ رعایای سرکش خویش بہ انجام خواہد رسید۔ جہان بہ دست انسان ہا سپردہ نشدہ است، ہرچند خدا برای مدتی بہ عناصر آشفتگی و بی نظمی اجازہ دادہ است کہ سلطہ یابند۔ قدرتی از زیر در کار است تا آخرین صحنہ ہای بزرگ این نمایش را پدید آورد—شیطان کہ همچون مسیح می آید و با ہمہ فریب ناراستی در میان کسانی عمل می کند کہ خویشتن را در انجمن ہای سری بہ یکدیگر پیوند می دہند۔ آنان کہ تسلیم شور ہم پیمانی می شوند، نقشہ ہای دشمن را بہ اجرا درمی آورند۔ علت، بہ دنبال خود معلول را خواہد آورد۔»

«تعدی تقریباً بہ حد نہایی خود رسیدہ است۔ آشفتگی جہان را فرا گرفته، و بہ زودی ہراسی عظیم بر آدمیان فرود خواہد آمد۔ پایان بسیار نزدیک است۔ ما کہ حقیقت را می شناسیم، باید خود را برای آنچه بہ زودی همچون شگفتی ای سہمگین بر جہان فرود خواہد آمد، آمادہ سازیم۔»
Review and Herald, September 10, 1903

«عناصر الجہن اور بدنظمی» اُس نظام کے ثمر کے طور پر تیار کی جا رہی ہیں جسے سسٹر وائٹ «اعلیٰ تعلیم» قرار دیتی ہیں، اور جسے وہ «رازِ دینی» بھی قرار دیتی ہیں۔ نیش ول کا پار تھینون مندر اُس جھوٹی تعلیم کی علامت ہے جو اب اُس «الجہن اور بدنظمی» کو پیدا کر رہی ہے جو «کچھ عرصہ تک غلبہ» رکھتی ہے۔ نیش ول پر آتشیں گولے اسلام کے ذریعے لائے جاتے ہیں اور وہ «نیکی اور بدی کی پہچان کے درخت» پر خدا کی عدالت کی نمائندگی کرتے ہیں۔ جب نیش ول پر ضرب لگتی ہے تو نصف شب کی صدا کی منادی کے مختصر عرصہ کا آغاز ہوتا ہے، اور یہ اتوار کے قانون تک لے جاتا ہے، جہاں یسعیاہ کی شریر «سازباز» اپنی آخری حرکت کرتی ہے جبکہ دنیا کو مجبور کیا جاتا ہے کہ وہ اُس ایک عالمی حکومت کو قبول کرے جسے مکاشفہ تیرہ میں حیوان کی شبیہ کے طور پر شناخت کیا گیا ہے۔ شریر سازباز کی بابت یسعیاہ کی شناخت ایک لاکھ چوالیس ہزار کی مہر کے ساتھ ہم آہنگ ہے۔

تم یہ نہ کہو: "سازش"، ہر اس بات کے بارے میں جسے یہ لوگ "سازش" کہتے ہیں؛ اور نہ تم ان کے خوف سے ڈرو، اور نہ ہراساں ہو۔ رب الافواج ہی کو مقدس جانو؛ اور وہی تمہارا خوف ہو، اور وہی تمہاری ہیبت ہو۔ اور وہ مقدس کے طور پر ہوگا؛ لیکن اسرائیل کے دونوں گھروں کے لیے ٹھوکر کا پتھر اور لغزش کی چٹان، اور یروشلم کے باشندوں کے لیے پھندا اور جال ہوگا۔ اور ان میں سے بہت سے ٹھوکر کھائیں گے، اور گریں گے، اور ٹکڑے ٹکڑے کیے جائیں گے، اور پھندے میں پھنسیں گے، اور پکڑے جائیں گے۔

گواہی را ببند، و شریعت را در میان شاگردان من مہر کن. و من برای خداوند کہ روی خود را از خاندان یعقوب پنهان می‌دارد، انتظار خواہم کشید، و بہ او نظر خواہم داشت. اینک، من و فرزندان کہ خداوند بہ من دادہ است، از جانب یہوہ صباوت کہ در کوہ صہیون ساکن است، در اسرائیل برای آیات و شگفتی‌ہا ہستیم. و چون بہ شما بگویند: «بہ صاحبان ارواح آشنا و بہ جادوگرانی کہ پچہچ می‌کنند و زمزمہ می‌نمایند، رجوع کنید»، آیا قومی نباید بہ خدای خود رجوع کند؟ آیا برای زندگان بہ مردگان روی آورند؟ بہ شریعت و بہ گواہی! اگر ایشان بر وفق این کلام سخن نگویند، از آن روست کہ در ایشان هیچ نوری نیست. اشعیا ۸:۱۲-۲۰.

مقطع خواہر واٹ اس بات کی نشاندہی کرتا ہے کہ "ابتہری اورے نظمی" کا ایک زمانہ "شیطان کے مسیح کے طور پر آنے" پر منتج ہوتا ہے۔ اتوار کے قانون کے وقت شیطان مسیح کا روپ دھار کر ظاہر ہوتا ہے۔

»بہ موجب فرمانی کہ در نقض شریعت خدا، استقرار پایت را بہ اجرا گذارد، ملت ما خود را بہ طور کامل از عدالت جدا خواہد ساخت. ہنگامی کہ پروتستانیسم دست خود را از فراز این شکاف دراز کند تا دست قدرت رومی را بفشارد، ہنگامی کہ از فراز این ورطہ دست خود را دراز کند تا با روح‌گرایی دست دہد، ہنگامی کہ، تحت تأثیر این اتحاد سہ گانہ، کشور ما ہر اصل قانون اساسی خویش را بہ عنوان حکومتی پروتستان و جمہوری خواہ مردود شمارد، و برای گسترش اکاذیب و فریب‌ہای پاپی تمہید فراہم آورد، آنگاہ خواہیم دانست کہ زمان عملکرد شگفت‌انگیز شیطان فرا رسیدہ و پایان نزدیک است.» Testimonies، جلد 5، ص. 451.

دوران «الجنہ اورے ترتیبی» اتوار کے قانون سے پہلے وقوع پذیر ہوتا ہے۔ اتوار کے قانون سے ذرا پہلے، اُس مدت میں جس کی تمثیل ایکسیٹر کی کیمپ میٹنگ اور پنتیکست سے قبل بالا خانے میں گزارے گئے دس دنوں سے ہوتی ہے، ایک لاکھ چوالیس ہزار کو «آپس میں مل کر قریب آؤ، میرے بھائیو اور بہنو، ... مسیح کے ساتھ بندھ جاؤ»۔ مہر لگائے جانے کا عمل اتوار کے قانون سے پہلے ہوتا ہے، اور اسی تاریخ میں وہ شریر اتحاد ایک عالمی حکومت قائم کرنے کے اپنے آخری کام کا آغاز کرتا ہے۔

در زمان مہر شدن، مسیح برای پارسایان مَحَرَمی مقدّس خواہد بود، اماّ برای شیربان سنگِ لغزش. او برای ساکنان اورشلیم «دامی و تلہ‌ای» خواہد بود؛ همان «بسیارانی» کہ سقوط می‌کنند، اماّ برای آن اندکانی کہ مہر شدہ‌اند، «او» مایہ «ترس» ایشان خواہد بود.

voči Bohu bola to, čo Eve chýbalo, a tí, ktorí sa Boha boja, majú iný druh bázne pannách,, než strach, ktorý prichádza na mnohých, čo sa potkávajú. Tieto dva druhy bázne označujú tých, ktorí prejdú skúšobným procesom, a tých, ktorí v ňom zlyhajú. Tí, ktorí prejdú, sú zapečatení; tí, ktorí neprejdú, sú znázornení číslom päť, lebo „sa potknú, a padnú, a budú dolámaní, a budú lapení, a budú zajatí.“ Čas pečatenia, ktorý je predstavený ako nastávajúci pred nedeľným zákonom, keď panuje obdobie zmätku a nepokoja, je časom, keď sa napĺňa podobenstvo o desiatich pannách,,

آن اندک کسانی که در تقابل با بسیاری لغزش خورده مہر شدہ اند، همان ہایی ہستند کہ برای خداوند «انتظار می کشند»، و بدین سان با باکرہ ہای دانا کہ «در انتظار بودند» شناختہ می شوند۔ ہمچنین در درون این دو دستہ از باکرہ ہا، گونه ای انتظار نبوی تقدیس شدہ و تقدیس نا شدہ وجود دارد کہ با دو نوع ترس مطابقت دارد۔

»و چون داماد تأخیر نمود، ہمگی در خواب آلودگی فرو رفتند و خفتند۔“ از تأخیر داماد، گذشت زمانی مراد است کہ در آن انتظار می رفت خداوند بیاید، نیز نومیدی و این تأخیر ظاہری۔ در این دوران عدم یقین، علاقہ سطحی نگران و دودلان بہ زودی رو بہ سستی نہاد و کوشش ہایشان کاهش یافت؛ اما آنان کہ ایمانشان بر شناختی شخصی از کتاب مقدس استوار بود، صخرہ ای زیر پای خود داشتند کہ امواج نومیدی نمی توانست آن را بشوید و از میان ببرد۔ ”ہمگی در خواب آلودگی فرو رفتند و خفتند؛“ یک گروہ در بی اعتنائی و وانہادن ایمان خویش، و گروہ دیگر با شکیبایی در انتظار تا نوری روشن تر عطا گردد۔ با این ہمہ، در شب آزمایش، گروہ اخیر نیز تا اندازہ ای شور و اخلاص خود را از دست رفتہ می نمودند۔ آن سطحی نگران و دودلان دیگر نمی توانستند بر ایمان برادران خود تکیہ کنند۔ ہر کس باید خود برای خویش بایستد یا سقوط کند۔“ نبرد عظیم، ۳۹۵۔

وہ لوگ جو تقدیس یافتہ انداز میں انتظار کرتے ہیں، انہیں ”نشانیوں اور عجائبات“ ہونا ہے، جبکہ اتوار کے قانون کے وقت انہیں دنیا کے سامنے ایک علم کے طور پر بلند کیا جاتا ہے، جب نیکی اور بدی کی پہچان کے درخت کا مسئلہ اُس معرفت کی نمائندگی کرتا ہے جو ”آشنا ارواح والوں اور غیب گوؤں کی، جو چیں چیں کرتے اور بڑبڑاتے ہیں“ سے منسوب ہے، اور اُس معرفت کی بھی جو ”شریعت اور شہادت“ سے متعین کی گئی ہے۔ یہ وہی آزمائش ہے جو حوا اور آدم کے لیے تھی۔ کیا ہم ایسی تعلیم کو قبول کرتے ہیں جس میں حق، خطا کے ساتھ مخلوط اور ممزوج ہو، یا ہم ”یوں فرماتے خداوند“ پر قائم رہتے ہیں، کیونکہ اگر وہ اس کلام کے مطابق نہ بولیں تو اس لیے کہ اُن میں کوئی نور نہیں۔ سچی اور جھوٹی تعلیم، مسیح اور شیطان کے درمیان عظیم تنازع میں حق کی ایک بنیادی لکیر ہے۔ نیش ول کلام خدا کے خلاف بغاوت کی علامت ہے، اسی یقینی طور پر جیسے سدوم عیاشی کی علامت ہے، اور جیسے نیو یارک ریاستہائے متحدہ کی معاشی قوت کی علامت ہے اور پینٹاگون اُس کی عسکری قوت کی علامت ہے۔

پیٹر نیش ول کے آگ کے گولوں کی دہلیز پر، پانیئم میں اور پہاڑ پر کھڑا ہے، اور یہ بیکل کی آزمائش کی نمائندگی کرتا ہے۔ وہ پہچانتا ہے کہ odiceanu سیونٹھ ڈے ایڈونٹزم کو، جب آگ کے گولے گریں گے، ملامت کیا جانے والا اور شرمندہ کیا جانے والا ہے، اور یہ کہ نیش ول، ریاستہائے متحدہ اور دنیا کو خبردار کیا جانا ضروری ہے۔ اسلام کا پیغام ایلچیوں کی تصدیق کرتا ہے، بالکل اسی طرح جیسے کرمل پر نازل ہونے والی آگ نے اس بات کی تصدیق کی تھی کہ ایلپاہ سچا نبی تھا۔ تاہم نیش ول کے لیے انتباہ محض تیسرے ہائے کا اسلام نہیں ہے، چہ جائیکہ یہ کہ اچانک حملے میں کس نوعیت کے ہتھیار استعمال کیے جاتے ہیں۔ انتباہ کے پیغام کو یہ واضح کرنا لازم ہے کہ اسلام کو عدالت لانے کی اجازت کیوں دی جا رہی ہے، ایسی عدالت جو ایک ایسے دور کا آغاز کرتی ہے جس میں ہزاروں شہر تباہ کر دیے جاتے ہیں۔ پیشگی یہ نشان زد کر دینا کہ اسلام نیش ول پر ایک اچانک حملہ برپا کرے گا، ایلچیوں کی توثیق کرے گا، لیکن اگر انتباہ صرف اتنا ہی کرے تو وہ ایک نامکمل انتباہ ہے۔

र, गर्दछ आरम्भ अवधको छोटा एउटा जसले, हुन् न्याय एउटा परमेश्वरको गोलाहरू आगाका नैशवलिका गो हो। न्याय परमेश्वरकै पनयिो आरम्भमा अवधको त्यस जसरी; हुन्छ समाप्त व्यवस्थामा-आइतबार अवध तियो भने भए असफल परीक्षामा तयो तनीहरूले यदरि, थयिो के परीक्षा तयो नै पहलि हव्वालाई र आदम परमेश्वरले गर्न तर्क" परणामसम् कारणदेखि"ह्वाइटले ससिटर थयिो। बताउनुभएको भनी, हुनेछन् के परणामहरू त्यसका स्पष्ट भनी आउँदै" श्राप "आउने बनि" कारण "पनि बाइबलले र, गर्नुहुन्छ पहिचान महत्त्व क्षमताको सक्ने

چنان کہ گنجشک بہ آوارگی و پرستو بہ پرواز می رود، لعنت بی سبب نیز نخواهد آمد. امثال ۲۶:۲

نشوُل کے آگ کے گولے آنے والے "اثر" اور "لعنت" ہیں۔ تنبیہی پیغام میں "سبب" کا شامل ہونا لازمی ہے۔ نبی یوناہ کا پیغام محض چالیس دن میں آنے والی ہلاکت کی نشان دہی نہ تھا، بلکہ اس نے بادشاہ سے لے کر پوری آبادی تک بیداری اور اصلاح پیدا کی۔ جس بات کی نشان دہی کی گئی، اسی نے بادشاہ اور اس کی قوم کو اپنی بری راہوں سے پھرنے پر آمادہ کیا۔ یوناہ نے انہیں آنے والی ہلاکت کی خبر دی تھی، اور یہ بھی بتایا تھا کہ وہ ان کی شرارت اور بدکار طرز زندگی کے سبب ہے۔

زیرا خبر بہ پادشاہ نینوا رسید، و او از تخت خود برخاست، و ردای خویش را از بر کند، و پلاس در بر گرفت، و در خاکستر نشست. و فرمان داد کہ در سراسر نینوا، بہ حکم پادشاہ و بزرگانہ، ندا کنند و اعلام نمایند کہ نہ انسان و نہ حیوان، نہ گلہ و نہ رمہ، چیزی نچشند؛ نہ بچرند و نہ آب بنوشند. بلکہ انسان و حیوان پلاس در بر کنند، و با تمامی قوت نزد خدا فریاد برآورند؛ آری، ہر یک از راہ شیرانہ خویش و از ظلمی کہ در دست ہای ایشان است بازگردند. یونس ۳:۶-۸.

اسلام ایک نرسنگے کی قدرت ہے، اور مکاشفہ کی کتاب کے باب آٹھ سے گیارہ تک کے سات نرسنگے، نیز باب سولہ، مخصوص نبوی خصوصیات کے حامل ہیں۔ پہلے چار نرسنگے 321 میں پہلے اتوار کے قانون کے نفاذ کے سبب شاہی روم پر نازل ہونے والے عدالت کے احکام تھے۔ اگلے دو نرسنگے 538 میں اتوار کے ایک قانون کے نفاذ کے سبب پاپائی روم پر نازل ہونے والے عدالت کے احکام تھے۔ مکاشفہ کی کتاب کے باب آٹھ سے گیارہ تک کے سات نرسنگے، مکاشفہ باب سولہ کی سات آخری آفتوں کی تمثیل ہیں، جو اتوار کے نفاذ کے باعث بنی نوع انسان پر خدا کا فیصلہ ہیں۔

پیام ہشدار دہندہ نشویل باید گام ہایی را کہ بہ سوی قانون یک شنبہ رهنمون می شوند، مشخص سازد؛ و بر بنیاد شہادت نبوی، داوری در پی می آید و بر علت پیشی نمی گیرد. داوری، اثر اجرای اجباری یک شنبہ است. پنج شاہد تاریخ پنہان آیہ چہل کہ اکنون بدان ہا می پردازیم، شہادت ہای متفاوتی ارانہ می کنند؛ اما برخلاف شاہدان بشری، ہمہ خطوط نبوی با یکدیگر درہم می آمیزند. شناسایی گام ہای قانون نہایی یک شنبہ در ایالات متحدہ، ہنگامی بہ انجام می رسد کہ پطرس شہادت دونالد ترامپ را با ہم درمی آمیزد تا اثر گلولہ ہای آتشین نشویل را تبیین کند.

ہشدار نشویل بہ جہان این است کہ خداوند در همان مقطع زمانی، داوری نہایی خود را بر انسان ہا و امت ہا آغاز می کند. سپس دورہ ای از ویرانی شہرہا آغاز می شود و بہ سرعت بہ قانون یک شنبہ منتہی می گردد، جایی کہ ارتداد ملی با ہلاکت ملی پی گرفتہ می شود. آنگاہ شیطان می آید تا مسیح را جعل کند، و آن اتحادیہ شریر برپا می شود، ہنگامی کہ آن دہ پادشاہ موافقت می کنند پادشاہی خود را بہ دزدان قوم تو، کہ رؤیا را برقرار می سازند، بسپارند. ہشدار نشویل بہ وسیلہ تاریخی بازنمایی می شود کہ بر نشویل تقدّم دارد، چنان کہ با اقدام دونالد ترامپ در ساختن تمثالی برای وحش بازنمودہ شدہ است. پیام ترامپ، شیور ہشدار است کہ پیش از گلولہ ہای آتشین نشویل بہ صدا درمی آید.

ما این مطالب را در مقالہ بعدی ادامہ خواہیم داد.